
***A Study on Social Challenges Caused By Excessive
Use of Virtual Social Networks
(Case: Second High School Students of POLDOKHTAR City)***

By: Vali Bahrami, M.A. [✉] & Abuzar Ghaseminejad, Ph.D.*

Abstract:

Excessive use of virtual social networks has led to addiction and harms among some users. This article was conducted with the aim of identifying the social challenges of excessive use of virtual social networks among secondary school students in POLDOKHTAR city. This research was carried out with a qualitative approach, and the selection of samples was carried out in a purposeful way and up to the point of saturation, due to its exploratory nature, with the number of 19 people. Selected samples were interviewed by a semi-structured questions. The collected data were thematically coded and analyzed. After coding and data analysis, 168 open codes, 9 themes of sector cohesion, and 47 sub-themes were extracted. The findings of the research showed that the social challenges of extreme use of virtual social networks among students are: moving away from social roles; reduction of family-relative interactions; neglecting education; marriage crisis; generation and normative gap; the stigma of abandonment; Skeptical self-concept; Dual social identity and the emergence of high-risk sexual behaviors. The results of the research showed that it is necessary to create suitable platforms for family partnership and strengthen the position of reference groups (parents, school, trusted relatives), to provide the conditions for the reintegration of teenagers in order to reduce their dependence while using these networks properly.

Keywords: *Virtual Social Networks, Risky Sexual Behaviors, Dual Social Identity, Neglecting Education, Generation and Normative Gap.*

✉ Assistant Prof, in Social Science, Farhangian University, Tehran, Iran Email: bahrami1171@cfu.ac.ir

* Assistant Prof, in Social work, Semnan University, Semnan, Iran Email: abozarghaseminezhad65@gmail.com



مطالعه چالش‌های اجتماعی ناشی از استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر پلدختر)

ولی بهرامی[✉]، ابوذر قاسمی‌نژاد*

چکیده

استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی منجر به وابستگی و بروز آسیب‌هایی در میان برخی از کاربران شده است. از این منظر، پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌های اجتماعی استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر پلدختر انجام گرفته است. رویکرد پژوهش کیفی و نمونه‌گیری به دلیل ماهیت اکتشافی به‌صورت هدفمند بوده است. حجم نمونه نیز بر اساس معیار اشباع، تعیین و به این ترتیب با ۱۹ نفر مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شده است. سپس داده‌های گردآوری شده، به‌صورت مضمونی کدگذاری و تحلیل شده‌اند و بر این اساس، ۱۶۸ کد باز، ۹ مضمون انسجام بخش و ۴۷ مضمون فرعی به‌دست آمده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های اجتماعی استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانش‌آموزان عبارت‌اند از: فاصله‌گیری از نقش‌های اجتماعی؛ کاهش تعاملات خانوادگی-خویشاوندی؛ بیگانگی تحصیلی؛ بحران ازدواج؛ شکاف نسلی-ارزشی؛ انگ رهاشدگی؛ خود پنداره شکاک؛ هویت دوگانه اجتماعی و ظهور رفتارهای پرخطر جنسی. نتایج همچنین حکایت از آن دارند که لازم است با فراهم آوردن بسترهای مناسب برای ایجاد مشارکت خانوادگی و تقویت جایگاه گروه‌های مرجع (والدین، مدرسه، افراد معتمد خویشاوند)، شرایط بازپیوندسازی نوجوانان فراهم آید تا ضمن استفاده درست از این شبکه‌ها، از وابستگی افراطی آنان هرچه بیشتر کاسته شود.

کلید واژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی، رفتارهای پرخطر جنسی، هویت دوگانه اجتماعی، بیگانگی تحصیلی، شکاف نسلی-ارزشی.

مقدمه و بیان مسئله

فناوری‌های نوین ارتباطی در چند دهه اخیر تأثیرات بسیار شگرفی بر حیات مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دولت‌ها و ملت‌ها به‌جای گذاشته‌اند و به‌واسطه همین تأثیر، قلمرو و مرزهای دولت - ملت‌ها در سطوح گوناگون مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمرنگ‌تر و تا حد زیادی آسیب‌پذیرتر شده است (اسولیوان^۱، ۲۰۰۹: ۳۱). از جدیدترین فناوری‌های ارتباطی، شبکه‌های اجتماعی هستند که در مرکز توجه کاربران قرار گرفته‌اند و هر کدام دسته‌ای از کاربران را با ویژگی‌های خاص گرد هم می‌آورند. شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌منزله نوعی اجتماع مجازی به کاربران اجازه می‌دهند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اجتماعی درگیر شوند و اطلاعات موردنیاز یا دلخواه خود را کسب کنند (وانگ و گاسکین^۲، ۲۰۱۵: ۱۲۰). این شبکه‌ها؛ خدمات آنلاین مبتنی بر وب هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین، پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند (بوید و الیسون^۳، ۲۰۰۸: ۲۱۲). شبکه‌های اجتماعی مجازی حکم شمشیر دولبه را دارند، یعنی به همان اندازه که می‌توانند بر لایه‌های مختلف زندگی تأثیر مثبت بگذارند، ممکن است که در صورت استفاده نامناسب آسیب‌های جدی وارد سازند (ایران‌مهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴). مؤسسان جوامع مجازی از این فرصت برای انتقال مفاهیم فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مدنظر خود در قالب نرم و پنهان، نهایت استفاده را می‌برند (نجفی سولاری، ۱۳۸۹: ۶). افراد با حضور در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از گونه‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی، از مزایای این اجتماع مجازی نظیر حمایت اطرافیان و عواطف و احساسات آنان برخوردار می‌شوند (وال^۴، ۲۰۰۱: ۲۰۰۳ و ویلیامز^۵، ۲۰۰۶) و در بسیاری از جوانب که نیازی به حضور فیزیکی افراد نیست، زندگی واقعی خود را در اجتماعات مجازی پیدا می‌کنند (بورگاتی و کراس^۶، ۲۰۰۳). شبکه‌های اجتماعی مجازی همان‌قدر که فرصت‌های تازه و هیجان‌انگیزی برای کشف جهان اجتماعی تأمین می‌کنند، می‌توانند تهدیدی برای ویرانی روابط و اجتماعات انسانی باشند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۶۸۲). یکی از مهمترین، حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوره‌های رشدی هر فردی

1. O'Sullivan
2. Wang & Gaskin

3. Boyd & Ellison
4. Wall

5. Williams
6. Borgatti & Cross

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

دوره نوجوانی است؛ در این دوره سه بحران بلوغ، هویت و شخصیت اتفاق می‌افتد و شبکه‌های اجتماعی مجازی با ارضای همزمان نیازهای عقلی، منطقی و عاطفی نوجوانان، موجب جذب این گروه سنی شده (حسین‌آبادی، ۱۳۹۱: ۶) و بر سیر رشدی، اجتماعی و آموزشی آنان تأثیر گذاشته است. استفاده از شبکه‌های اجتماعی به علت اینکه فعالیتی زمان‌بر است، می‌تواند بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی داشته باشد (بجرگرد، ۲۰۱۰؛ پاول، بیکر و کوکران، ۲۰۱۳). استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی در کلاس درس موجب بی‌نظمی، اختلال در جریان یادگیری و فروریختگی آموزش می‌شود (جعفری و شهابی، ۱۳۹۸: ۲). همچنین نبود فرهنگ استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی خواهد داشت (اوزیر، ۲۰۱۴: ۲). پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران نیز نشان می‌دهد که استفاده افراطی دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی پیامدهایی از قبیل؛ آسیب‌های دوران بلوغ و احتمال ابتلا به اختلالات روانی (ایران‌مهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳)؛ انزوای اجتماعی (کریمیان و همکاران ۱۳۹۷: ۸۳)؛ کاهش ارتباط خانوادگی، افت تحصیلی، دین‌گریزی و شکاف نسلی (وئوقی‌اصل و همکاران ۱۴۰۱: ۹۰)، منزوی‌شدن از محیط‌های واقعی اجتماع، شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضد‌دین و شبهات، نقض حریم خصوصی و ضعف شخصیتی (سلیمانی‌پور، ۱۳۹۰: ۱)؛ زورگیری سایبری (سعدی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۸۵) کم‌رنگ‌شدن هویت اجتماعی (بخشی‌تلیابی، ۱۳۹۴: ۳۲) و کاهش سلامت اجتماعی (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۷) را به دنبال داشته است.

از سوی دیگر، بررسی‌های صورت‌گرفته، نشان می‌دهد که میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مجازی روز‌به‌روز در حال گسترش است. بر اساس یکی از پژوهش‌های انجام شده در ایران، حدود ۱۴ میلیون نفر کاربر زیر ۱۸ سال در فضای مجازی وجود دارند و دانش‌آموزان به طور متوسط روزانه ۵ تا ۹ ساعت از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند امری که بیانگر جذابیت این رسانه نوین برای نوجوانان است (شاوردی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۰۳). هرچند آمار دقیقی از میزان استفاده دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی مجازی در شهر پلدختر در دست نیست، شواهد نشان می‌دهد که در شهر پلدختر دانش‌آموزان با هدف تأمین نیازهای عاطفی، شناسایی افراد با ویژگی‌ها و

علاقه‌مندی‌های مشابه خود، تفریح، سرگرمی و به اشتراک‌گذاری علایق مانند موسیقی، ورزش، هنر و ... از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بیشتر این دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی شاد، روبیکا، تلگرام، واتساپ و اینستاگرام بهره می‌گیرند. اوج این فرایند را می‌توان در زمان کرونا مشاهده کرد چنان‌که بعد از این دوران، استفاده بی‌رویه از شبکه‌های اجتماعی در میان آنان نهادینه شد. این استفاده به دلیل اینکه در برخی موارد با تأیید مدرسه نیز همراه بوده است (با توجه به اینکه دانش‌آموزان در مواردی برای یادگیری باید به برنامه‌هایی همچون شاد دسترسی داشته باشند) موانع دسترسی و استفاده آنان را به سمت‌وسویی جدید سوق داده است؛ اما جذابیت شبکه‌های اجتماعی مجازی در بافت شهر پلدختر در تعارض با ساختار تربیتی خانواده‌ها قرار گرفته است؛ به این معنا که دانش‌آموزان بدون اطلاع و نظارت والدین وارد گروه‌ها و شبکه‌های مجازی مختلفی می‌شوند که ارتباط چندانی با نظام و مناسبات خانواده ندارد. ساختار تربیتی اقتدارگرایانه - مستبدانه حاکم بر بافت قومی و طایفه‌ای این شهرستان باعث شده است که دانش‌آموزان اغلب با غور و پرسه‌زنی در این فضاها اوقات فراغت خود را پر کنند. آنان الگوهای دوست‌یابی، راه‌های تأمین عواطف و علایق خود و نیز مرجع‌های فکری‌شان را در بطن این شبکه‌ها جستجو می‌کنند تا از این طریق بتوانند بر چالش‌های هویتی و معنایی خود در سن بلوغ پاسخ بدهند؛ بنابراین، از آنجاکه این دانش‌آموزان از نظر سطح آگاهی، مدیریت زمان، پیگیری مدیرانه علائق خود و مانند آن، از توانایی و ریسک‌شناختی مطلوبی برخوردار نیستند، استفاده افراطی از این شبکه‌های مجازی بعد بی‌ساختار و افراطی به خود گرفته است چنان‌که پیامدهای آن را در بطن نظام مدرسه و نهاد خانواده می‌توان مشاهده کرد. فهم درون‌بافتی و مشاهدات نگارندگان نشان می‌دهد که بسیاری از والدین ساکن شهر پلدختر از حضور و استفاده فرزندان‌شان از این شبکه‌ها ابراز نگرانی می‌کنند. به زعم والدین حضور و استفاده از این شبکه‌ها پیامدهایی از قبیل: اتلاف وقت، ارتباط با افراد مختلف و ناشناس، از دست رفتن تمرکز و حواس‌پرتی، بی‌رغبتی به درس و مدرسه، ضعف عملکرد تحصیلی و بی‌انضباطی را به دنبال داشته است. این در شرایطی است که شهرستان پلدختر از نظر ساختار اجتماعی وابسته به الگوهای تربیتی خانواده اقتدارگراست و فرزندان در تبعیت از والدین اعتبار خود را نشان می‌دهند. تعاملات اجتماعی در این شهرستان مستلزم حضور فرزندان

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

(در اینجا دانش‌آموزان) در بطن روابط اجتماعی با خویشاوندان و اطرافیان است. حال آنکه استفاده از این شبکه‌ها حضور اجتماعی آنان را کمتر و انزوای‌شان را بیشتر کرده است.

افزون بر این، در بطن نظام مدرسه آوردن تلفن همراه و حضور دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی در تعارض با فرهنگ کلاس درس است. این امر تعاملات معلمان و عوامل اجرایی مدرسه را با دانش‌آموزان برای نفوذ، اثرگذاری و ایجاد تغییر در آنان دچار مشکل می‌کند. استفاده افراطی دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی بر وابستگی عاطفی و علاقه و تعهد دانش‌آموزان به مدرسه نیز که از عناصر تشکیل‌دهنده هنجارهای اخلاقی و اجتماعی در کلاس و مدرسه است، اثرگذار بوده است چنان‌که حتی دانش‌آموزان سعی در مجازی‌سازی مدرسه به بهانه‌های مختلف دارند. علاوه بر این، هم‌رنگی دانش‌آموزان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اثر گروه همسالان و باور، تشویق و پذیرش اجتماعی یکدیگر در این زمینه موجب شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های دانش‌آموزی در قالب کانال‌های جنسی، گروه‌های دوست‌یابی و پاره‌گروه‌های خانواده‌گریز گردیده و کشانده‌شدن بعضی از آنها به ساختار مدرسه، نظم و تعادل را در مدارس شهر پلدختر با اختلال مواجه کرده است. از آنجا که رویکرد آموزش و پرورش در مدارس یک رویکرد آموزشی و تربیتی برای رشد و پرورش دانش‌آموزان است؛ انجام چنین پژوهشی به فهم و نحوه مواجهه با مسائل ناشی از استفاده افراط‌گونه دانش‌آموزان از شبکه‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. به این ترتیب، پرسش مطالعه حاضر که با رویکرد کیفی و ابزار مصاحبه انجام گرفته این است که چالش‌های اجتماعی استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه دوم شهر پلدختر کدامند؟

پیشینه تجربی

درباره شبکه‌های اجتماعی و پیامدهای استفاده اعتیادگونه یا افراطی از آنها در بین دانش‌آموزان مطالعات متعددی از سوی پژوهشگران داخلی و خارجی صورت گرفته است.

وثوقی اصل و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به شناسایی و اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی نوجوانان در استفاده از شبکه‌های مجازی در مدارس و ارائه راهکارهای مقابله با این آسیب‌ها پرداخته‌اند. روش این پژوهش کمی و ابزار

مورد استفاده پرسشنامه بوده است. نتایج نشان داده است که کاهش ارتباطات خانوادگی و افت تحصیلی به ترتیب با ۸۵ و ۸۴/۲ درصد به‌عنوان با اهمیت‌ترین و اختلال در شکل‌گیری هویت نوجوانان و پرخاشگری با ۲۰/۲ و ۱۵ درصد، به‌عنوان کم اهمیت‌ترین اولویت از دیدگاه دانش‌آموزان انتخاب شده‌اند. قربانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی به تحلیل جامعه‌شناختی اثرات مصرف شبکه‌های اجتماعی بر سلامت اجتماعی دختران دانش‌آموز پایه دهم شهر بیرجند پرداخته‌اند. روش پژوهش آنان کمی و ابزار مورد استفاده پرسشنامه بوده است بر اساس نتایج، مدل معادلات ساختاری از برآزش قابل قبولی برخوردار بوده و شبکه اجتماعی به طور معناداری با سطح اطمینان ۹۹ درصد سلامت اجتماعی را پیش‌بینی کرده است. همچنین، مقدار ضریب تعیین مدل پیش‌بینی سلامت اجتماعی ۴۳ درصد بوده است. نتایج به دست آمده همچنین حاکی از تأثیر معنی‌دار و منفی شبکه‌های اجتماعی بر سلامت اجتماعی دانش‌آموزان دختر است. در پژوهشی دیگر، سوری و همکاران (۱۳۹۷) به آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم پرداخته‌اند. روش این پژوهش کمی از نوع پیمایش بوده است. نتایج نشان داده است که بین «انزوای اجتماعی»، «اضطراب» و «افسردگی» کاربران و غیرکاربران شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی تفاوت معناداری وجود دارد اما بین «اختلال در کنش اجتماعی» کاربران و غیرکاربران تفاوت معناداری دیده نمی‌شود. جعفری و شهبایی (۱۳۹۸) در پژوهشی به تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. روش پژوهش از لحاظ دستیابی به هدف کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، از نوع پیمایشی بوده است. نتایج نشان داده است که بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین شدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با عملکرد تحصیلی رابطه منفی و معنادار دیده می‌شود. رابطه بین زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با عملکرد تحصیلی نیز معنادار بوده است. نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داده است که اینستاگرام بیشترین و فیسبوک کمترین تأثیر را بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته‌اند. سلیمانی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌ها و تهدیدها به پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده است که استفاده افراطی از

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب منزوی شدن از محیط‌های واقعی اجتماع، شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضد دین و شبهات، نقض حریم خصوصی و ضعف شخصیتی افراد مورد مطالعه می‌شود. ترابیان و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به واکاوی پدیدارشناسانه علل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران پرداخته‌اند. این مطالعه با روش نظریه زمینه‌ای انجام گرفته و یافته‌های آن متشکل از ۴ مقوله اصلی (عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و ویژگی‌های فضای مجازی) و ۱۷ مفهوم اولیه (ارتباط با دیگران، احساس تنهایی، اجتناب از مشکلات، کاهش هیجانات منفی، ویژگی‌های شخصیت، باورهای منفی، اختلالات روان‌شناختی، نقص در مهارت‌های زندگی، تفریح و سرگرمی، سبک فرزندپروری مستبدانه، غفلت، نقش همسالان، آسیب‌های اجتماعی، جذابیت، دسترسی آسان، گمنامی و انتقال سریع اطلاعات بوده است. در کنار عوامل فردی، عوامل خانوادگی و اجتماعی نیز نقش مهمی در اعتیاد نوجوانان به شبکه‌های مجازی دارند. بنابراین، لازم است که روان‌شناسان تدابیر درمانی جامعی را اتخاذ کنند تا علاوه بر درمان فردی، بر اصلاح و بازسازی روابط درون خانواده نیز متمرکز شوند. در نهایت، ایران‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی کیفی آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سلامت روان دانش‌آموزان (از دیدگاه مشاوران مدارس) پرداخته‌اند. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای انجام گرفته و نتایج آن نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب آسیب‌های خانوادگی مانند کاهش تعاملات و روابط خانوادگی، چالش و تعارض فرهنگی، ناسازگاری با خانواده، نابهنجاری در محیط خانواده، گسیختگی عاطفی و افزایش مشکلات خانواده؛ آسیب‌های تحصیلی مانند افت تحصیلی، کم‌توجهی به امور تحصیلی، کاهش زمان مطالعه و سرقت علمی، آسیب‌های دوران بلوغ مانند تنش جنسی، ترویج فساد جنسی، بحران جنسی، بلوغ زودرس، انحراف جنسی، فراگیری اطلاعات جنسی آسیب‌زا، اشاعه فرهنگ اعتیاد، آسیب‌های اجتماعی مانند کاهش روابط اجتماعی واقعی، انزوای اجتماعی، تغییرات اعتقادات و الگوهای فرهنگی، شکستن هنجارهای جامعه، مسئولیت‌گریزی و ایجاد مشکلات اجتماعی و اشاعه فساد و بی‌آبرویی می‌شوند.

پژوهشگران خارجی نیز مطالعاتی در این زمینه انجام داده‌اند. کان^۱ (۲۰۲۳) به بررسی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و تنهایی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی پرداخته است. این مطالعه بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی آناتولی ترکیه انجام گرفته و ۳۰ دانش‌آموز در بخش کیفی و ۳۷۹ دانش‌آموز در بخش کمی در آن شرکت کرده‌اند. یافته‌های کمی پژوهش و داده‌های به‌دست‌آمده نشان داده است که دانش‌آموزان عموماً سطح متوسطی از اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و سطح متوسطی از تنهایی را تجربه می‌کنند. براساس داده‌های کیفی می‌توان گفت که اعتیاد دانش‌آموزان دبیرستانی به شبکه‌های اجتماعی ممکن است آنان را از محیط اجتماعی واقعی محروم کند و منجر به تنهایی شود. مینداجائو^۲ (۲۰۲۱) به بررسی اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی پرداخته است. این مطالعه بر روی ۵۱۳ دانش‌آموز دبیرستانی با اکانت فعال رسانه‌های اجتماعی انجام گرفته و یافته‌ها نشان داده است که شبکه‌های اجتماعی با ایجاد تغییر در نگرش‌های جنسی، روابط با خانواده و برخی انتظارات منجر به ایجاد چالش‌هایی برای آنها شده‌اند. اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر سطح اضطراب دانشجویان دانشگاه، پژوهشی است که از سوی لوزانو بلاسکو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) انجام گرفته است. این پژوهش کمی و در بین ۳۶۱ دانشجویان انجام شده است. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که چگونه متغیرهای تعدیل‌کننده همزمان مانند سن افراد را مستعد اعتیاد اینترنتی می‌کنند. علاوه بر این، جنبه اعتیاد که باعث ایجاد اضطراب می‌شود، وسواس فکری نسبت به شبکه‌های اجتماعی است. کاهش مصرف بیش از حد نیز خود به سندرم پرهیز می‌انجامد. آفاکان و ازبک^۴ (۲۰۱۹) به مطالعه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی پرداخته‌اند. داده‌ها از مجموع ۵۹۶ دانش‌آموزی که در سه دبیرستان با سطح پیشرفت تحصیلی متفاوت در ترکیه تحصیل می‌کرده‌اند، به دست آمده است. از نظر متغیر جنسیت بین دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشده است. دانش‌آموزان دارای سطح پایین اعتیاد هستند و علاوه بر این، بین میانگین زمان استفاده روزانه از اینترنت دانش‌آموزان دبیرستانی و اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی رابطه معناداری دیده می‌شود.

1. Can
2. Mindajao

3. Lozano Blasco
4. Afacan & Ozbek

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

در خصوص جمع‌بندی و نقد پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت که مطالعات این حوزه بیشتر با رویکرد روان‌شناختی انجام شده‌اند و متغیرهایی همچون اضطراب، افسردگی، افت تحصیلی، چالش‌های عاطفی، تنهایی و غیره را بررسی کرده‌اند و کمتر ماهیت اجتماعی داشته‌اند، درحالی‌که مطالعه حاضر کیفی و عمیق است و از این‌رو با ماهیت خرد، آن هم از منظر خود دانش‌آموزان فهم بهتری از چالش‌های اجتماعی مدنظر ارائه می‌دهد. افزون بر این، نوآوری و وجه تمایز این پژوهش در تأکید بر تعاملات و کنش‌های فردی و جمعی دانش‌آموزان در زندگی روزمره است، وجه مهمی که پژوهش‌های پیشین کمتر بر آن مهمم تأکید داشته‌اند، زیرا این مطالعات ساختارمند و قیاسی هستند. نکته دیگر اینکه اکثر مطالعات این حوزه بدون تفکیک مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و خانوادگی، به بررسی این مؤلفه‌ها پرداخته‌اند و ضمن پراکندگی، فاقد چارچوب نظری قابل اتکایی در این خصوص هستند.

ملاحظات نظری

ملاحظات نظری در جهت حساسیت نظری ارائه شده‌اند تا پژوهشگر بهتر بتواند به لایه‌های زیرین پژوهش ورود کند و فهم دقیق‌تری از پدیده ارائه دهد. از آنجاکه این پژوهش ماهیت اکتشافی دارد، هدف از رویکردهای ارائه‌شده، ارائه فهم نظری از ماهیت مسئله برای استخراج مضامین در بستر میدان مورد مطالعه بوده است.

رویکرد استفاده جبرانی از اینترنت (بیان می‌کند که افراد سعی دارند با استفاده (افراطی) از فناوری، هیجانات منفی خود را کاهش دهند؛ بنابراین در نظریه استفاده جبرانی از اینترنت، هیجان منفی (یک متغیر مربوط به تفاوت‌های فردی) می‌تواند به‌عنوان پیشاینده استفاده از فناوری (برای مثال گوشی هوشمند) تلقی شود و از همین‌رو افزایش یا استفاده بیش‌ازحد از فناوری به‌عنوان رفتار جبرانی باهدف تنظیم هیجانات منفی در نظر گرفته می‌شود. در این‌زمینه مطالعاتی صورت گرفته‌اند که از کاربرد نظریه در تبیین استفاده مشکل‌زا و اعتیاد به گوشی هوشمند استفاده کرده‌اند (زیتومرسکی - گیفت و بلو، ۲۰۱۶). آفونسو (۱۹۹۹) بیان می‌کند که استفاده از اینترنت سبب ایجاد احساس بدبختی، انزوای اجتماعی، تنهایی، دوری از خانواده و به‌طور کلی، کاهش سلامت روانی

می‌شود. دوری از خانواده و دوستان نوعی حالت روانی است که به آن انزوای اجتماعی می‌گویند. تنهایی و از دست دادن حمایت‌های اجتماعی، دو متغیر (دو بعد) نشان‌دهنده انزوای اجتماعی هستند. در اینجا، رویکرد جبرانی به ما کمک می‌کند که بدانیم دانش‌آموزان به دلیل کمبودهای عاطفی، نبود دوستان و همسالان برای بازی و سرگرمی و یا فقدان الگوهای هنجاری و مرجع‌های فکری، با ورود به این شبکه‌ها سعی دارند حمایت روانی لازم را کسب کنند. گیدنز اظهار می‌کند که برخی از دانش‌پژوهان معتقدند اینترنت موجب وسعت و پرمایگی شبکه‌های اجتماعی مردم می‌شود، در مقابل، برخی از جامعه‌شناسان اینترنت را عامل انزوا و انفراد اجتماعی روزافزون می‌دانند. از پیامدهای دسترسی فزاینده به اینترنت در خانوارها این است که مردم «اوقات مفید» خود را کمتر با خانواده و دوستان سپری می‌کنند. اینترنت با کم‌رنگ کردن مرزهای میان کار و خانه در حال تصرف زندگی خانگی است و افراد به جای تعامل در خانه، به ادامه اشتغال‌های کاری خود می‌پردازند (گیدنز، ۱۴۰۰: ۶۸۳-۶۸۲). این رویکرد از این حیث به مطالعه حاضر کمک می‌کند که دانش‌آموزان با ورود به این شبکه‌ها، فراغت مفید خود را از دست می‌دهند و این امر منجر به اختلال در مرزهای خانوادگی، دوستان و خویشاوندی آنان و در نتیجه، کاهش تعاملات مثبت، انفراد و انزوا می‌شود. رویکرد دیگر، رویکرد دوفضایی است. به استدلال عاملی و حسنی (۱۳۹۱: ۴) آسیب اجتماعی را با نگاه دوفضایی می‌توان به اعتبار فضای اثرگذاری آسیب، به آسیب‌های مشترک میان فضای فیزیکی و فضای مجازی زندگی یا آسیب‌های دوفضایی که در هر دو فضا قابلیت شکل‌گیری و اثرگذاری دارند و آسیب‌های مجازی که صرفاً در فضای جدید زندگی بروز می‌کنند اما دامنه اثرگذاری آنها نسبت به فضای شکل‌گیری‌شان گسترده‌تر است، تقسیم کرد. دوفضایی شدن بر این مبنا تأکید دارد که فهم واقعیت‌های فردی و اجتماعی با پارادایم‌های تک‌جهانی امکان‌پذیر نیست. فهم جهان واقعی منهای درک جهان مجازی و برعکس، مطالعه جهان مجازی بدون توجه به متغیرهای جهان واقعی ما را دچار خطای فهم می‌کند. این رویکرد تأکید دارد که فضای مجازی و شبکه‌ها جزئی جدایی‌ناپذیر از جهان امروزی هستند و امکان نادیده‌گرفتن آنها وجود ندارد. این رویکرد از این منظر به ما کمک می‌کند که نگاه سلبی به این حوزه را کنار بگذاریم و بدانیم که واقعیت مجازی قابلیت اثرگذاری خاص خود را دارد و نمی‌توان با رویکردهای کلاسیک با آن روبه‌رو شد.

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

گانلت^۱ از منظر هویتی به فضای مجازی نگاه می‌کند که برای نوجوانان تهدید محسوب می‌شود. به استدلال وی، در فضای مجازی با مقوله شناوری هویت‌ها مواجه‌ایم؛ رسانه‌ها در فضای مجازی دربردارنده نیروی تغییر هستند. این نیروی تغییر، شخصیت، هویت و فرهنگ را مورد تهدید قرار می‌دهد (گانلت، ۲۰۰۲). ماهیت حاکم بر فضای مجازی به گونه‌ای است که در آن سوژه خود را رها از چارچوب‌ها و قوانین اجتماع احساس می‌کند و فرد نیز ناچار از ایفای نقش در قالب هنجارهای ساختار حاکم نیست؛ به‌این ترتیب، افراد با قرار گرفتن در چنین فضای گمنامی که احساس مسئولیت و تقید به وظایف و ساختارهای پذیرفته‌شده را ندارد، خودهای گوناگونی را به نمایش می‌گذارند. این خودها، متناسب با محیطی که سوژه در آن قرار می‌گیرد، ظاهر می‌شوند و این ظاهر شدن می‌تواند ناشی از جلب رضایت دیگران باشد. همچنین فضای مجازی می‌تواند از جهتی، بحران شخصیتی را بر فرد تحمیل کند؛ چرا که جهان به صورت شبکه‌های ارتباطی در آمده است. سوژه به‌طور روزانه خود را در معرض قضاوت‌های مختلف می‌بیند؛ یعنی ناچار است بین خود واقعی و خود مجازی، داوری و انتخاب کند و به ایفای «خود» بین دو نوع نقش بپردازد. این تداخل نقش‌ها و تفاوت محیطی سوژه را به بازیگری مجازی در پشت صحنه بدل می‌کند که با خود واقعی وی متفاوت است. این دوگانگی سوژه را بر سر دوراهی قرار می‌دهد که کدام یک درست است. بنابراین، تأثیر فضای مجازی بر سوژه به گونه‌ای است که حالتی از تردید و شک بر فرد مستولی می‌شود به‌عبارت‌دیگر، ما با سوژه مردد روبه‌رو هستیم (توانا و هاشمی‌اصل، ۱۳۹۴: ۲۵). ارتباط این رویکرد با پژوهش حاضر این است که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی نوع خاصی از هویت را برای نوجوانان ایجاد می‌کنند که از طرفی بحران شخصیتی و عاطفی برایشان ایجاد می‌کند و از طرف دیگر با ورود آنان به برخی از فضاها و کانال‌های خاص تحولات جنسی، بلوغ، دوست‌یابی و نیز نقش‌ها و وظایفشان آنها را با گسست روبه‌رو می‌سازد. از این‌رو هویت آنان تحت این شرایط بر ساخت می‌شود و سوژه جدیدی پدید می‌آید که آنان را دچار تردید و تناقض رفتاری می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی و برحسب هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی بوده است. از نظر زمانی، نیز پژوهشی مقطعی محسوب می‌شود شایان ذکر است که در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت منظور شبکه‌های برخط و مجازی همچون اینستاگرام، تلگرام، واتساپ و توئیتر است که امکان اتصال به افراد مختلف را در گروه‌ها و کانال‌های عمومی از یک سو و انجام چت‌ها و ارسال کلیپ‌ها، تصاویر و غیره را به صورت شخصی از سوی دیگر برای دانش‌آموزان فراهم ساخته‌اند. از آنجاکه دوره نوجوانی از نظر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی یکی از حساس‌ترین، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوران‌های زندگی انسان است و فرد در این دوره سه بحران بلوغ، هویت و شخصیت را تجربه می‌کند؛ جامعه مورد مطالعه از کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوم شهرستان پلدختر تشکیل شده است. دلیل انتخاب دانش‌آموزان متوسطه دوم اقتضائات بلوغ و هویت‌یابی آنها، وابستگی کمتر به خانواده، روابط بیشتر با دوستان و همسالان، داشتن استقلال در استفاده از گوشی همراه و نیز تفکرشناختی خاص این افراد به منظور انجام مصاحبه‌ها بوده است. برای مشخص شدن میزان استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی از پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی شی، لو، یانگ، لویی و کای (۲۰۱۴) بهره‌گرفته شده است. پرسشنامه ۲۱ گویه را (از جمله: از شبکه‌های اجتماعی چه مقدار استفاده می‌کنید؟ به طور متوسط با هر مراجعه به شبکه‌های اجتماعی چه مقدار زمان صرف آن می‌کنید؟ و غیره) در برمی‌گیرد. نمره کل از مجموع ۲۱ گویه حاصل شده و بین ۲۱ تا ۱۴۷ بوده است. دانش‌آموزانی که نمره بالاتر از میانگین کسب کرده‌اند، به عنوان دانش‌آموزانی انتخاب شده‌اند که جامعه هدف مطالعه حاضر را تشکیل داده‌اند و اصطلاح استفاده افراطی به آنان اطلاق می‌شود، از این رو، نمونه‌گیری «هدفمند» از بین دانش‌آموزانی انجام گرفته که استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند. حجم نمونه نیز بر اساس اشباع نظری تعیین شده است؛ به این معنی که وقتی با تکرار اطلاعات مصاحبه‌ها روبه‌رو شدیم، روند مصاحبه‌های بیشتر را قطع کردیم و به تحلیل پرداختیم. بر این اساس نمونه پژوهش شامل ۱۹ نفر داوطلب شرکت در پژوهش بوده که از بین دانش‌آموزان پسر و دختر ۱۰ دبیرستان شهرستان پلدختر به روش هدفمند

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

انتخاب شده‌اند. پس از اخذ مجوزهای لازم به‌منظور گردآوری داده‌های پژوهش به مدارس موردنظر مراجعه شد و مصاحبه‌ها به‌صورت «نیمه‌ساخت‌یافته» انجام گرفت که مبتنی بر برخی از سؤالات از پیش طراحی شده بود. از تکنیک «تحلیل مضمون» یا «تماتیک» برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بر این اساس، ابتدا به پیاده‌سازی و خواندن سطر به سطر داده‌ها به‌منظور رسیدن به یک درک منسجم از متن مصاحبه‌ها پرداخته شد و سپس، مهم‌ترین واحدهای معنادار (که به‌صورت یک کلمه و یا در مواردی یک عبارت بودند) از متن جدا و دسته‌بندی شدند و کدهای باز و اولیه استخراج شدند. در ادامه، استخراج مضامین و بازنگری آنها انجام گرفت و با تعریف و نام‌گذاری آنها، مضامین استخراج‌شده در یک فرایند نظام‌مند در قالب متن و گزارش ارائه شدند. در روند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۱۶۸ کدباز، ۴۷ مضمون فرعی و ۹ مضمون اصلی استخراج شدند. برای اعتبارسنجی داده‌ها نیز از فن‌هایی همچون بازبینی مجدد شرکت‌کنندگان، بازبینی از سوی متخصصان و بهره‌گیری از داوری خارجی و وضوح استنادپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد.

یافته‌های پژوهش الف. توصیفی

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان

کد مصاحبه	سن	مقطع تحصیلی	جنسیت	فرزند چندم	رشته تحصیلی	اشتغال والدین	تعداد فرزند خانواده	میانگین استفاده از شبکه‌های اجتماعی	طلاق والدین
P-۰۱	۱۷	دیپلم	دختر	دوم	علوم انسانی	بله	۲	۳	خیر
P-۰۲	۱۶	یازدهم	دختر	اول	علوم تجربی	نه	۱	۲	خیر
P-۰۳	۱۶	یازدهم	پسر	اول	علوم انسانی	بله	۱	۲	بله
P-۰۴	۱۸	دیپلم	پسر	سوم	ریاضی فیزیک	نه	۴	۳	خیر

ادامه جدول ۱.

کد مصاحبه	سن	مقطع تحصیلی	جنسیت	فرزند چندم	رشته تحصیلی	اشتغال والدین	تعداد فرزند خانواده	میانگین استفاده از شبکه‌های اجتماعی	طلاق والدین
P-۰۵	۱۷	دیپلم	دختر	دوم	علوم انسانی	نه	۲	۴	خیر
P-۰۶	۱۶	دهم	دختر	اول	علوم تجربی	بله	۲	۳	بله
P-۰۷	۱۵	دهم	پسر	ذکر نکرد	علوم انسانی	بله	۳	۲	خیر
P-۰۸	۱۷	یازدهم	پسر	ذکر نکرد	علوم انسانی	بله	۲	۳	خیر
P-۰۹	۱۸	دیپلم	دختر	دوم	علوم تجربی	بله	۲	۲	خیر
P-۱۰	۱۵	دهم	پسر	چهارم	علوم تجربی	بله	۴	۲	خیر
P-۱۱	۱۷	دیپلم	پسر	اول	علوم انسانی	نه	۱	۴	بله
P-۱۲	۱۶	یازدهم	دختر	دوم	علوم تجربی	بله	۲	۳	خیر
P-۱۳	۱۶	یازدهم	پسر	اول	علوم انسانی	نه	۲	۳	خیر
P-۱۴	۱۶	دهم	پسر	سوم	علوم تجربی	بله	۳	۲	خیر
P-۱۵	۱۸	دیپلم	دختر	دوم	ریاضی فیزیک	خیر	۲	۲	خیر
P-۱۶	۱۵	دهم	دختر	اول	علوم انسانی	بله	۱	۳	بله
P-۱۷	۱۶	یازدهم	پسر	دوم	علوم تجربی	بله	۲	۲	خیر
P-۱۸	۱۷	دیپلم	پسر	اول	علوم انسانی	خیر	۲	۴	خیر
P-۱۹	۱۷	دیپلم	پسر	سوم	علوم تجربی	بله	۳	۳	خیر

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

ب. کیفی

در روند کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۱۶۸ کدباز ۴۷ مضمون فرعی و ۹ مضمون اصلی استخراج شده‌اند. در ادامه، ابتدا جدول مضامین فرعی و اصلی ارائه و سپس، به تفسیر مضامین اصلی پرداخته شده است.

جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی حاصل از مصاحبه با دانش‌آموزان

مضامین اصلی	مضامین فرعی
فاصله‌گیری از نقش‌های اجتماعی	تضعیف انتظارات نقشی، بازماندن از امور محول، کناره‌گیری از نقش فرزندی، از دست دادن جایگاه پدر-فرزندی
کاهش تعاملات خانوادگی خویشاوندی	افزایش انزوا، شرکت نکردن در مهمانی، سطحی شدن تعاملات خانوادگی، گریزان بودن از جمع خویشاوندی
بیگانگی تحصیلی	منفعل بودن در پیشرفت تحصیلی، گوشه‌گیر شدن نسبت همکلاسی، خود فروماندگی، مسئولیت‌گریزی آموزشی، کاهش احساس تعلق و تعهد به مدرسه
بحران ازدواج	تغییر در نوع ازدواج، ازدواج زودهنگام، ازدواج دیرهنگام
شکاف نسلی-ارزشی	رعایت نکردن پوشش در خانواده، تضاد و تعارض با والدین، نزاع و جروبحث با والدین، نداشتن درک واقعی از نیازهای فرزند
انگ رهاشدگی	منحرف شدن، بی‌هدف بودن، گمراه شدن، ول شدن، فردگرایی، نبود حمایت، تنهایی، آزادی بی‌قیدوشرط
خودپنداره شکاک	دروغگویی، بدگمانی و سوءظن، شک و تردید، پنهان‌کاری، گمان و تصور از منحرف شدن
هویت دوگانه اجتماعی	بی‌ثباتی هویتی، افشای هویت، هویت آفلاین، هویت آنلاین، تقویت شخصیت‌های چندگانه
رفتارهای پرخطر جنسی	محرک جنسی، هرزه‌نگاری جنسی، وسواس جنسی، خیال‌پردازی جنسی، تنوع‌طلبی جنسی، تنش جنسی، خودارضایی، لذت‌گرایی جنسی

بر این اساس، نتایج حاصل از یافته‌های مصاحبه به شرح زیر است:

۱. فاصله‌گیری از نقش‌های اجتماعی

فاصله‌گیری از نقش به درجه کناره‌گیری افراد از نقش‌های محول اطلاق می‌شود. نقش، آن بخش سازمان‌یافته از جهت‌گیری فاعل اجتماعی نسبت به دیگری است که در آن نحوه شرکت وی را در یک فرایند دوطرفه تعیین و تعریف می‌کند و شامل مجموعه‌ای از انتظارات مکمل می‌شود که در ارتباط با کنش فرد و دیگری است که وی با آنها در تعامل قرار می‌گیرد (برگر، ۱۳۹۳: ۶۵). یکی از پیامدهای شبکه‌های اجتماعی فاصله‌گیری افراد از نقش خود در فضای خانواده است که به اشکال و شیوه‌های مختلف آن را به نمایش می‌گذارد. این افراد به‌طور معمول صورت و بدن خود را به نحوی نمایش می‌دهند که بیانگر بی‌توجهی و بی‌حوصلگی نسبت به انجام وظایف محول در فضای خانواده است. در فضای خانواده مجموعه‌ای از انتظارات متقابل بین والدین - فرزندان وجود دارد و شبکه‌های اجتماعی با مداخله و مخدوش کردن این انتظارات، به تضعیف ایفای نقش افراد کمک می‌کنند و موجب تقسیم‌کار نابهنجار و بی‌سامانی در فضای خانواده می‌شوند.

« از وقتی که تلفن همراه خریدم و بیشتر وقتم رو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌گذرونم؛ تمایل چندانی به انجام امور خانواده ندارم و سر این موضوع بارها با والدینم اختلاف و مشاجره داشته‌ام». (۳)

شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند. در این شبکه‌ها افراد به‌طور معمول راحت‌تر می‌توانند نیازهای خود را مطرح کنند و این طرح کردن نیازها باعث شکل‌گیری فضایی برای گفتگو و مباحثه می‌شود. کاربران در این فضا به گفتگو می‌پردازند، احساسات خود را ابراز می‌کنند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند؛ اما استفاده افراطی از این شبکه‌ها موجب شده است که فضای تعامل و گفتگو به‌سختی بین والدین و نوجوانان شکل گیرد و درک مشترک و درستی از نیازها، خواسته‌ها، امیال و نظرهای والدین و به‌طور متقابل نوجوانان حاصل نشود. استفاده بیش‌از‌حد از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی مجازی مانع از برآورده شدن انتظارات نقشی والدین از فرزندان می‌شود.

« بعضی وقت‌ها پدرم بهم گیر می‌ده و سعی می‌کنه گوشیم رو بگیره و ببینه دارم چه کار می‌کنم؛ این موضوع من رو ناراحت می‌کنه و من هم متقابلاً عصبانی می‌شم و آن چیزهایی رو که نباید بگم می‌گم». (۱۶)

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

سبک تربیتی مستبدانه ریشه در رویکردهای سنتی تربیت دارد و از رابطه سنتی «زیردست - بالادست» سرچشمه می‌گیرد. در این نوع سبک تربیتی، چون والدین خود را بالادست و فرزندان را زیردست می‌دانند، تصمیم می‌گیرند که هر نوجوان چگونه باید رفتار کند و با پذیرش مسئولیت بیشتر به نوجوان می‌آموزند که کمتر مسئولیت‌پذیر باشند و حق انتخاب و آزادی را از آنان سلب می‌کنند. اعتقاد داشتن به تنبیه نوجوانان در این رویکرد نوعی ارزش است که زمینه احترام متقابل و ارزش‌ها یا فضائل اخلاقی را می‌خشکاند و زمینه پنهان‌کاری بیشتر را در نوجوان به وجود می‌آورد.

« پدرم معمولاً رفتار خشک و خشنی با ما داره، بعضی وقت‌ها که خونه نیست به جای درس خوندن می‌رم سراغ گوشیم و وقتم رو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سپری می‌کنم ... بعضی مواقع وقتی متوجه می‌شد که من با گوشیم کار می‌کنم ناراحت و عصبانی می‌شه و تنبیه ام می‌کنه... ». (۱۷)

۲. شکاف نسلی - ارزشی

رسانه‌های جمعی و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی تحول جدیدی را به وجود آورده‌اند. شبکه‌های اجتماعی الگوهایی را ارائه می‌دهند که با ارزش‌های حاکم میان والدین سازگار نیست و همین امر تعارض میان والدین و فرزندان را موجب می‌شود. نوجوانان مورد مطالعه خواهان تغییرات تازه‌اند و ارزش‌ها و هنجارهای خود را بیشتر با ارزش‌ها و هنجارهای ارائه‌شده از طریق شبکه‌های اجتماعی منطبق می‌سازند. بسیاری از والدین ارزش‌های سنتی خود را باور دارند و معتقد است حضور فرزندان در شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌های سنتی آنها را به چالش کشیده است. نوجوانان سعی می‌کنند خود را با این تغییرات منطبق سازند و ارزش‌ها و هنجارهایشان را که بیشتر مبتنی بر نوگرایی، فردگرایی، دموکراتیک‌تر شدن، خلاق‌تر بودن، متفاوت بودن و تکثرگرایی است، شکل دهند. این نوجوانان نسل والدین خود را نسلی « محافظه‌کار و ایستا» می‌دانند که خواهان تغییرات جدید نیستند. بسیاری از این والدین نیز هنوز ته‌نشست‌های شیوه فرزندپروری مستبدانه را دارند. در این شیوه والدین بر رفتار و نگرش نوجوان کنترل دارند و اطاعت محور و مقام محور هستند. آنان سعی می‌کنند بر اساس ارزش‌ها و معیارهای سنتی و مطلق، رفتار فرزندان خود را شکل دهند (بهرامی و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷).

اینکه چنین والدینی بیشتر بر نیازهای خود متمرکز هستند و توجهی به نیازهای نوجوان ندارند؛ می‌تواند به تضاد نسلی و ارزشی (شکاف) دامن بزند. یکی از روایت‌کننده‌ها می‌گوید:

«وقتی والدینم بهم گیر می‌دن و دائم به نحوه پوشش و مهمانی رفتن با اونها و استفاده من از تلفن همراه نظارت می‌کنند و گوشیم را چک می‌کنند، من هم الفاظی از قبیل؛ به شما ربطی نداره، گوشه شخصی خودم است و غیره را می‌گم و این موجب اختلاف من و والدینم می‌شه».

استفاده بیش‌ازحد از شبکه‌های اجتماعی موجب شده است که افراد احساس آزادی و کنترل نشدن بیشتری از جانب خانواده و نزدیکان داشته باشند. فعالیت بیش‌ازحد در شبکه‌های مجازی این احساس آزادی و نبود کنترل را قوت می‌بخشد؛ از این‌رو، گاهی اوقات رفتارهای خشن یا حتی رفتارهای کنترل نشده از خود بروز می‌دهند. دانش‌آموزان معتقدند که وقتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی غرق می‌شوند و ارتباط و تعامل کمتری با اعضای خانواده خود دارند، اعضای خانواده مصمم می‌شوند که مانع استفاده از گوشه همراهشان شوند. این امر مخالفت‌ورزی^۱ بسیاری از نوجوانان را در پی دارد و گاهی اوقات به پرخاشگری آنان و ناسازگاری با اعضای خانواده منجر می‌شود.

«خانواده به‌خصوص پدر و مادر با مخالفت‌ورزی سعی می‌کنند که من کمتر از گوشه همراه و فضای مجازی استفاده کنم و این سبب دلخوری و عصبانیت من می‌شود». (۱۷)

منابع دریافت اطلاعات و دانش، فرایند اجتماعی شدن و معرفت نسبت به پیرامون، همچنین منابع هویت‌بخش نسل جدید نوجوان با نسل گذشته والدین فاصله زیادی دارد و با آن متفاوت است. برای نسل جدید، مرجع‌ها سست شده‌اند، در حالی که برای نسل‌های پیشین، مرجع‌ها و الگوهای رفتاری گوناگونی از قبیل؛ پدر و مادر، افراد بزرگ‌تر، روحانی محل و معلم وجود داشت. گروه‌های مرجع و الگوهای رفتاری این نسل در دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند. نسلی که منبع تغذیه‌اش شبکه‌های اجتماعی بوده و هست با نسل‌ها و یا بخش‌های دیگری از جامعه که بیشترین توانمندی‌شان در چگونگی استفاده از این شبکه‌هاست به‌طور قطع متفاوت است (خانیکی، ۴۲: ۱۴۰۲). می‌توان گفت که در گذشته، سنت‌ها و باورها، خانواده، منابع دینی و مدرسه، منبع و

۱. بسیاری از کارشناسان «مخالفت‌ورزی» را یکی از مهم‌ترین خصوصیات نوجوانان می‌دانند که عدم توجه به این خصوصیت از طرف والدین می‌تواند آتش خشم را بیشتر کند.

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

الگوی رفتاری نسل گذشته بوده‌اند؛ ولی با تحولات کنونی، سلبریتی‌های فضای مجازی و گروه‌های مرجع آن جایگزین آنها شده‌اند. وقتی منابع هویتی، معرفتی و الگوهای رفتاری تقویت‌کننده یکدیگر نباشند و پیوستگی نسلی را به دنبال نداشته باشند، زمینه ظهور و بروز تعارض نسلی فراهم می‌شود؛ به گونه‌ای که نوجوانان، هویت خود را در نفی و تعارض با والدین می‌بینند و زمینه تعارضات نسلی و ناسازگاری خانوادگی - خویشاوندی شکل می‌گیرد.

«پدرم بیشتر وقت‌ها می‌گه بنار مثل فلانی آدم باشخصیت و بزرگی باشی... من اصلاً این افراد رو به عنوان الگو قبول ندارم. الان همه چیز عوض شده، قرار نیست من مثل پدرم فکر کنم... با وجود فضای مجازی و افراد سرشناسی که این همه فالوور دارن چه لزومی داره که من فلان فرد شه‌رمون الگوم باشه». (۱۷)

۳. کاهش تعاملات خانوادگی - خویشاوندی

هر چند شبکه‌های اجتماعی مجازی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند؛ استفاده از آنها فعالیتی زمان‌گیر است که می‌تواند مدت تعامل نوجوان با خانواده را کاهش دهد و به سست شدن روابط و انزوای او بی‌انجامد. انزوای نوجوان و سست شدن پیوندهای خویشاوندی، او را از حمایت اجتماعی و یاریگری خانواده و خویشاوندان محروم می‌سازد. شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباطات سطحی، بی‌مایه و سست را جایگزین ارتباط عمیق و پایدار می‌کنند و با کاهش سطح ارتباطات عاطفی عمیق و میزان گفتگو در خانواده و با خویشاوندان که می‌تواند زمینه‌ساز مشارکت فعال باشد، انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهند.

«اکثر اوقات که در خانه هستم تمایل دارم در اتاقم تنها باشم و در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با دوستان و دیگران چت کنم. حتی بعضی وقت‌ها که مشکلی برام پیش می‌یاد سعی می‌کنم از طریق دوستانم اون رو حل کنم». (۵)

گپ در شبکه‌های اجتماعی یکی از ابزارهایی است که تغییر نگرش افراد را نسبت به ارتباطات شفاهی خانوادگی و خویشاوندی در پی داشته است. در گپ شبکه‌های اجتماعی، نوجوان به فراسوی مرزهای خانوادگی و خویشاوندی محل زندگی خود می‌رود و حدود مرزهای قراردادی مرسوم را تغییر ساختار می‌دهد. در نتیجه، موجودیت روابط و کنشگری با اعضای خانواده، خویشاوندی و اجتماعی در معنای سنتی به چالش کشیده می‌شود.

«وقتی من بیشتر اطلاعات، نیازها، تسهیلات و امکانات مورد نیاز خودم رو می‌تونم از طریق شبکه‌های اجتماعی و دوستانم فراهم کنم چه ضرورتی داره که وقت خودم رو با خویشاوندان و نزدیکانم صرف کنم. به نظرم این ارتباطات فقط می‌تونه وقت و انرژی من رو بگیره».

۴. بحران ازدواج

در دوران جدید و در پی تغییر و تحولات ناشی از نوسازی، صنعتی شدن و جهانی شدن، تغییرات عمده‌ای در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است. الگوی ازدواج و تشکیل خانواده نیز متأثر از این تغییرات دچار تحولات فراوانی شده است (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۸۳). یکی از مواردی که بر الگوی ازدواج مؤثر بوده، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، شکل‌هایی جدید از تعامل و ارتباط را برای افراد فراهم کرده است. شبکه‌های اجتماعی فضای متنوع و متعددی را ایجاد کرده‌اند و سبب شکل‌گیری نوع جدیدی از خواستگاری، اظهار عشق یا تمایل، و تلاش برای یافتن فرد مناسب برای ازدواج شده‌اند؛ بدین گونه که با تسهیل این عمل، امکان وقوع آن را بیشتر کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی با کمک به اظهار عشق یا تمایل، زمینه‌ساز «عشق مجازی» و ازدواج زودهنگام تعدادی از دختران دانش‌آموز شده‌اند. دانش‌آموزان مورد مطالعه معتقدند، با وجود شبکه‌های اجتماعی مجازی، کمتر نوجوانی پیدا می‌شود که به جنس مخالف فکر نکند. شبکه‌های اجتماعی مجازی با اثراتی که بر پدیده بلوغ نوجوانان در جامعه مورد مطالعه داشته‌اند موجب بلوغ زودرس جنسی نسبت به سایر ابعاد بلوغ؛ اقتصادی، فکری، جسمی شده‌اند، امری که از پیامدهای آن ازدواج زودهنگام است.

تعدد و تنوع در روابط یکی از پیامدهای استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی است. از نگاه نوجوانان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و دیدن فیلم‌های آن موجب تغییر در ذائقه و علایق‌شان (نحوه پوشش، آرایش و سبک زندگی) می‌شود. این تغییرات موجب شده است که نوجوانان بیشتر به سمت جنس مخالف و ازدواج با یکدیگر گرایش پیدا کنند.

«من در شبکه‌های اجتماعی مجازی مدها و لباس‌هایی را می‌بینم که دوست دارم نحوه پوشش خودم هم مثل آنها شود. همچنین پوشش جذاب و نو می‌تواند در جلب توجه پسران بسیار مؤثر باشد، به اعتقاد من امروزه لباس نو و مد روز حتی می‌تواند زمینه ازدواج را هم فراهم کند» (۱۲).

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

وجه دیگر پیامدهای استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی، ازدواج دیر هنگام است. شبکه‌های اجتماعی با دسترس‌پذیر کردن روابط با جنس مخالف و ایجاد سیری کاذب در افراد موجب می‌شوند که آنان تمایل چندانی به شکل دادن روابط جاری در شبکه‌های اجتماعی و در نهایت ازدواج نداشته باشند. «وقتی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هر چیزی بخواهیم وجود دارد و می‌توانیم نیازهای مختلف خود را برآورده کنیم؛ چه نیازی به ازدواج داریم». (۹)

ازدواج زود هنگام دختران پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلفی دارد که تضاد بین نگرش‌ها و خواسته‌های نوجوان و اجتماع محلی، برچسب‌زنی یا انگ اجتماعی و تردید در تصمیم‌گیری را می‌توان از آن جمله دانست. دختران مورد مطالعه‌ای که ازدواج زود هنگام داشته‌اند؛ معتقدند که بر اساس فرهنگ و اجتماع محلی که در آن زندگی می‌کنیم؛ تصور اینکه هم‌درس بخوانند و هم زندگی زناشویی داشته باشند، غیرممکن است.

«من می‌خواهم ادامه تحصیل بدهم و درس بخوانم و در مدرسه حضور یابم، باور جمعی اجتماع محلی به گونه‌ای است که به دختر شوهر کرده با جملاتی از قبیل اینکه مگر تو شوهر نکردی؟ چرا هنوز مدرسه می‌روی؟ می‌گویند و حتی معلمان هم این نگاه را نسبت به من دارند و در قیاس با سایر دانش‌آموزان، کمتر به مسائل آموزشی من توجه می‌کنند و جملاتی از این قبیل می‌گویند: سال دیگر تو را خواهیم دید که درس خواهی خواند یا نه؟ مگر هنوز بچه‌ای که مدرسه می‌روی...». (۶)

۵. بیگانگی تحصیلی

از دیدگاه دانش‌آموزان برخی از ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی از قبیل تنوع، جذابیت و دسترسی به اطلاعات مختلف و در مقابل، متنوع نبودن، یکنواختی، انتزاعی بودن، به‌روز نبودن و کاربردی نبودن مطالب درسی موجب شده است که آنان تمایل بیشتری به استفاده از شبکه‌های اجتماعی داشته باشند. این امر می‌تواند به‌صرف زمان بیشتر در شبکه‌های اجتماعی و اهمال کاری یا در نهایت بیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان منجر شود.

«من ترم اول وضعیت تحصیلی خوبی نداشتم، سال گذشته قبول شدم ولی در بسیاری از درس‌ها نمره قبولی را کسب نکرده‌ام علت آن استفاده زیاد از گوشی و خصوصاً شبکه‌های اجتماعی مجازی است، احساس می‌کنم علاقه‌ای به درس خواندن ندارم». (۱۶)

علاوه بر این، خاصیت همه‌مکانی، همه‌زمانی و در دسترس بودن شبکه‌های اجتماعی و از طرفی، سنتی و چاپی بودن کتاب‌های درسی و در دسترس نبودن، خاصیت چندرسانه‌ای نداشتن و تک‌رسانه‌ای بودن آنها (بیشتر به صورت متن هستند و جنبه تعاملی ندارند و همراه با ویدئو، صوت و پویانمایی نیستند)؛ موجب گرایش بیشتر دانش‌آموزان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی در قیاس با کتاب‌های درسی شده است. استفاده افراطی از این شبکه‌ها فعالیت‌های زمان‌بر است که موجب اتلاف وقت، حواس‌پرتی، سطحی‌نگری، عدم یادگیری فعال، بی‌انگیزگی و بیگانگی تحصیلی می‌شود.

«وقتی در شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنم تصاویر، پویانمایی و کلیپ‌های جذابی رو می‌بینم و بیشتر تمایل دارم در این شبکه‌ها حضور داشته باشم؛ ولی مطالب درسی یکنواخت، فاقد تصاویر و جذابیت هستند و تازه هر جا که برم به فضای مجازی دسترسی هم دارم.» (۱۷)

۶. انگ رهاشدگی

مضمون انگ رهاشدگی به معنای این است که والدین، مدیران و معلمان؛ دانش‌آموز را فردی از کنترل خارج شده و رها می‌دانند و هنگام استفاده از این شبکه‌ها به جای گفتگو و تعامل در جهت مدیریت استفاده از آنها او را با کدهایی همچون ول، بی‌ملاحظه، بی‌مسئولیت، هرزه مجازی و علاف صدا می‌زنند. از این حیث، یکی از موانع شکل‌گیری و همگرایی بین دیدگاه‌های والدین و نوجوانان، پیش‌داوری‌ها و فرضیه‌ها نسبت به حضور نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی است. پیش‌داوری به مثابه لباسی است که تفسیرهای ذهنی بر تن واقعیت‌های جهان خارج می‌پوشاند و این تصور را برای والدین ایجاد می‌کند که فرزند نوجوان نسبت به مدرسه و تحصیل دچار اهمال‌کاری شده است. از آنجاکه بسیاری از والدین مهارت لازم را برای به تعلیق درآوردن فرضیه‌ها و پیش‌داوری‌ها ندارند؛ این امر امکان فهم و درک متقابل والدین و فرزندان را با چالش مواجه کرده است و زمینه‌ساز برچسب‌ها، مشاجره‌ها و خشونت‌های فیزیکی و کلامی بیشتر دانش‌آموزان شده است.

« بارها پیش اومده سؤالی درباره موضوعات درسی ام داشتم؛ ولی والدینم اصلاً بهم فرصت نداده‌اند بگم که در فضای مجازی دارم چه کار می‌کنم... اونا فکرمی‌کنن من منحرف شدم... پیش‌داوری‌های اشتباه والدینم موجب شده که برای دفاع از خودم و اینکه بگم من دارم استفاده درستی از شبکه‌های مجازی می‌کنم صدای خودم را نسبت به اونها بالا ببرم.» (۱۸)

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

از نگاه نوجوانان پنهان‌کاری و استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب این تصور در والدین شده است که آینده و اهدافی که برای فرزندان به لحاظ آموزشی ترسیم کرده‌اند؛ مورد فراموشی و غفلت قرار گرفته و فرزندان مسیر مبهم و نامشخصی را انتخاب کرده‌اند و به احتمال زیاد نمی‌توانند به اهداف مطلوب تحصیلی مدنظر والدین نائل شوند.

« پدرم بعضی وقت‌ها به مادرم می‌گه این دختر آن‌طور که ما براش برنامه‌ریزی کردیم و فکر می‌کردیم پیش نمی‌ره؛ همش سرش تو گوشیه و وقت مناسبی برای مطالعه و کلاس درس نمی‌گذاره، نمی‌دانم چرا معلم از اینها تکلیفی نمی‌خواد؟». (۱۵)

۷. هویت دوگانه اجتماعی

شکل‌گیری هویت پایدار و یکپارچه، مستلزم جستجوگری است و برای نوجوانان امروز جستجوگری، هم در دنیای آنلاین و هم در دنیای آفلاین روی می‌دهد. قابلیت ناشناس ماندن در اینترنت و امنیت نسبی آن ممکن است فضا را برای تجربه باز کند و از این‌رو، محیطی بی‌نقص برای نوجوانان فراهم آورد تا جنبه‌های هویتی خود را به آزمون بگذارند (سوبراهمانیام و اسماهل، ۲۰۱۱: ۶۱). شبکه‌های اجتماعی موجب تجارب جدید و مواجهه غیرمستقیم نوجوان با فرهنگ‌های دیگر می‌شوند و نوجوان برای پیدا کردن هویت باید این تجارب جدید را با واقعیت موجود منطبق کند. این موقعیت نوجوان را در شرایطی قرار می‌دهد که به‌ناچار درگیر چالش‌هایی بر سر هویت و تعریف خود شود؛ از این‌رو، برساخت هویت نوجوان پیچیده‌تر شده است و او در فضایی سیال و چندپاره به پیدا کردن هویت دست می‌یابد.

«من وقتی وارد گروه‌های مختلف مجازی می‌شم سعی می‌کنم، وانمود کنم که مثل بقیه هستم و تفریحات، علایق، نحوه لباس پوشیدن و غیره رو با اونها در میان می‌ذارم و اینکه بعضی وقت‌ها از خود واقعی‌ام فرار می‌کنم و متفاوت با اون چیزی هستم که می‌گم من روایت می‌کنه». (۱۶)

موضوع هویت واقعی، افشای هویت و هویت مجازی نیز از دیگر موارد مهم در کنش‌های ارتباطی شکل گرفته در شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

در شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباط میان خود و خود- آشکاری دگرگون می‌شود و افراد آزادانه میان هویت آفلاین و هویت مجازی خود در حرکت هستند (ترلو^۱، ۲۰۰۴). به تعبیر «شری تارکل» اینترنت و شبکه‌های مجازی ما را تشویق می‌کنند که به خودمان همچون موجوداتی تغییرپذیر، در حال تکوین، غیرمتمرکز، متکثر، انعطاف‌پذیر و همیشه در حال پیشرفت نگاه کنیم و بدانیم که می‌توان خود را شکست و دوباره ساخت و شخصیت‌های جدیدی را تجربه کرد (کیان خواه، ۱۴۰۱: ۹۲). در شبکه‌های اجتماعی مجازی بیش از آنکه هویت ظاهر افراد مطرح شود، درون‌مایه‌های آنان بروز می‌کند و هرکس درصدد بیان اندیشه‌ها و علاقه‌مندی‌های خویش و برساخت یک هویت آنلاین است. از این‌رو، ارتباطات در شبکه‌های مجازی این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد از بدن‌ها (و هویت‌های) زندگی واقعی خود فرار کنند و رها شوند و خود را در فضای دیجیتال از نو بسازند تا یک هویت دوگانه برساخت شود. مطرح نشدن هویت شخصی و مشخصات فردی در این شبکه‌ها، موجب تقویت شخصیت‌های چندگانه و رشد و استحکام آن می‌شود.

«من در چت‌روم‌ها در مورد زیبایی و توانایی‌هایم اغراق می‌کنم و سعی می‌کنم ضعف‌های خودم را بپوشانم و فردی را که از اون خوشم می‌یاد پیدا کنم و وارد چت با اون بشم». (۱۱)

تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز اظهار می‌کنند که برای جلوگیری از طرد شدن از گروه دوستان همکلاسی در شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کنند سخت‌کوشی و درس‌خوان بودنشان را پنهان کنند و چندان جلب‌توجه نکنند. همچنین آنچه در شبکه‌های اجتماعی برای این نوجوانان اولویت دارد؛ متفاوت از آن چیزی است که در خانه دارای اهمیت است. به این ترتیب نوجوان در شبکه‌های اجتماعی باید به‌طور دائم مشغول ساختن و دوباره ساختن هویت خود در قالب عضویت در گروه‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی باشد.

«من دوست دارم در شبکه‌های اجتماعی لایکم‌کنن و موردپذیرش قرار بگیرم، برای این کار خودم رو متفاوت با اون چیزی که واقعاً هستم نشون می‌دم در خانه والدینم از من انتظار دارن سختکوش، منظم و درس‌خوان باشم؛ ولی در شبکه‌های اجتماعی وانمود می‌کنم که درس خواندن برای من مهم نیست. این دوگانگی‌ها و مدیریت اون‌ها من رو با چالش مواجه می‌کند». (۱۸)

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

۸. خودپنداره شکاک

یکی از پیامدهای استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانش‌آموزان، ایجاد بدبینی، شک و تردید نسبت به خانواده و اطرافیان است. به‌زعم دانش‌آموزان مورد مطالعه، شبکه‌های اجتماعی مجازی با شایعه‌پراکنی، دروغ‌گویی و اشاعه موضوعاتی که حقیقت ندارد زمینه‌ساز شکاکیت بیشتر می‌شوند.

«در شبکه‌های اجتماعی یک روز با یکی چت می‌کردم. خودش را دختر معرفی کرد و من فکر می‌کردم یک دوست خوب پیدا کردم. بعد از چند ماه گفت: من فلان پسر فامیلتون هستم. وقتی این رو گفتم: یک دفعه به‌هم ریختم و هنوز بعد از چند ماه نسبت به ارتباط با دیگران از طریق شبکه‌های اجتماعی شک و تردید دارم.» (۱۰)

در روابط ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی بسیاری از نوجوان دچار بدگمانی و سوءاستفاده‌های مختلف می‌شوند. برای مثال، نوجوانان دختر به ابراز محبت و علاقه پسران به بهانه ازدواج اعتماد می‌کنند و یا عده‌ای از نوجوانان پسر در این‌گونه روابط وانمود می‌کنند که دختر هستند و وقتی با گذر زمان و بیشتر شدن وابستگی دختران، هویت دروغین آنان فاش می‌شود، بدبینی و سوءظن در دختران نوجوان شکل می‌گیرد. آسیب‌های روحی و روانی از قبیل افسردگی، تنفر و انتقام‌جویی از دیگر نتایج این امر است. این‌گونه ارتباطات موجب برداشت و تصویری از خود (من) و دیگران می‌شود که اکثر این نوجوانان با تعمیم دادن آن، تصمیمات مهم زندگی‌شان را در آینده دستخوش تغییر می‌کنند.

«من با یکی از پسران اقوام‌مان از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی ارتباط داشتم و به او اعتماد کردم. با دروغ و وعده‌های دروغی به من قول ازدواج داد ولی پس از مدتی فهمیدم که دروغ گفته. نسبت به او و همه پسران، حتی اقوامم بدگمان شده‌ام و احساس تنفر می‌کنم.» (۱۱)

این شک و تردید و بی‌اعتمادی نسبت به نوجوانان در فضای خانواده نیز دیده می‌شود. مشارکت‌کننده‌ای به نقل از پدرش دلایل شک و تردید والدین نسبت به فرزندان را چنین روایت می‌کند:

«کسی که دوتا پسر یا دوتا دختر دارد، شب و روز ندارد، به فکر بچه‌هایش است، چون امنیت و اعتمادی وجود ندارد، پسران برای معتاد شدنشان و دختران برای آبرو، حیثیت، شرف و ناموس. یکی از دلایل ترس و دلهره، شک و تردید ناشی از ارتباطات در فضای مجازی است.» (۱۴)

همچنین تعدادی از مشارکت‌کنندگان، برخورد نادرست والدین (سبک فرزندپروری) و آگاه نبودن آنان از خصوصیات نوجوانی را عامل مهمی در گرایش بیشتر به پنهان‌کاری داشته‌اند. تأمل بیشتر در مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده وجود دو نوع شیوه نابهنجار در فرزندپروری یعنی شیوه‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه (آسان‌گیر) است. شیوه تربیتی آسان‌گیر والدین موجب می‌شود که آنان نوجوانانی را تربیت کنند که بدون توجه به خوبی یا بدی هر فعالیت، به دنبال آزادی و کسب رضایت هستند. نوجوانان تربیت‌شده با سبک تربیتی سهل‌گیرانه در سازش با محیط و جامعه‌پذیری مشکل دارند و رفتارهای ضداجتماعی در آنها افزایش می‌یابد (آدامز و مونت مایر، ۱۹۹۸). این نوجوانان آمادگی کافی برای مواجهه با ناکامی و ناامیدی در زندگی را نخواهند داشت و چون منضبط نشده‌اند و نیاموخته‌اند که دیگران را ملاحظه کنند، اغلب به‌عنوان افرادی هنجارشکن، قانون‌گریز و غیرمسئولیت‌پذیر شناخته می‌شوند. آنان وقتی می‌بینند که دیگران مانند والدین‌شان آسان نمی‌گیرند، تمایل چندانی به مشارکت فعالانه در روابط اجتماعی نشان نمی‌دهند.

۹. رفتارهای پرخطر جنسی

شبکه‌های اجتماعی از طریق تنوع، اشاره، ایما و آیدی قابل دسترسی، سهولت اشتراک‌گذاری پیام و تسهیل در گفتگوی بین افراد را بیشتر کرده است. ویژگی‌های از قبیل ارزان بودن، دسترسی آسان، متنوع بودن و ناشناخته ماندن کاربران سبب شده است که نوجوانان با توجه به اینکه در دوران بلوغ جنسی هستند از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای ارضای نیازهای جنسی استفاده کنند. همچنین چون در فضای فیزیکی و حضوری امکان بحث و گفتگو در مورد مسائل جنسی بین نوجوانان وجود ندارد و اغلب خیلی محدود یا تقریباً ناممکن است و فضای اخلاقی جامعه این موضوع را نفی می‌کند؛ اکثر پاسخگویان تمایلات خود را در زمینه نیازهای جنسی با مکالمات آن-لاین دنبال می‌کنند.

«چون در زندگی عادی راهی برای صحبت کردن و کسب تجربه در مورد مسائل جنسی وجود ندارد و هیچ راهی برای ارضای آن نیست، ما در شبکه‌های اجتماعی مجازی با استفاده از کلمات و بازی با آنها این کار را می‌کنیم». (۸)

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

احساس تنهایی و ناتوانی دختران نوجوان از ابراز نیازها موجب می‌شود که از گمنامی در فضای مجازی استفاده کنند و هرچقدر می‌خواهند خیال‌پردازی عاشقانه داشته باشند و خلأ روابط صمیمانه خود را در مکالمات آنلاین دنبال کنند. این دختران در شبکه‌های اجتماعی (تبادلات عشق - صمیمیت) به دنبال صمیمیت هستند؛ ولی پسران صمیمیت را می‌خواهند تا به رفتارهای غیراخلاقی برسند.

«ما دخترا به دنبال عشق پاکیم و دوست داریم در روابطمون صمیمیت، محبت و اعتماد متقابل را ببینیم؛ ولی متاسفانه این پسرها هستند که به خاطر خودخواهی و شهوت‌رانی‌های خودشون به این روابط آسیب می‌زنن».

یکی دیگر از مضامین فرعی، هرزه‌نگاری جنسی است. فیلم‌های مستهجن می‌توانند زمینه‌ساز تحریک جنسی افراد و سوق دادن آنان به سمت اعمال منفی و انحرافات جنسی باشند. مشارکت کنندگان، فیلم‌ها و عکس‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی را در تغییر رویه بلوغ و نحوه مدیریت تحریکات و مسائل جنسی خود بسیار مؤثر می‌دانند و آن را عاملی برای هرزه‌نگاری جنسی توصیف می‌کنند. تنش‌های جنسی و اوج لذت همراه با شرمندگی و احساس گناه، از پیامدهای هرزه‌نگاری و وسواس جنسی در نوجوانان است.

«من وقتی فیلم‌ها و عکس‌های مستهجن را در فضای مجازی دانلود می‌کنم در فضای خلوت و دور از چشم دیگران به دنبال گفتگو با جنس مخالف هستم و در بیشتر مواقع که موفق نمی‌شوم، به سکس مجازی و خودارضایی روی می‌آورم و با اینکه بعد از این کار پشیمان می‌شوم و به دنبال راه حلی برای این مشکل هستم دوباره این کار را انجام می‌دهم». (۱۴)

یکی از عوامل مداخله‌ای که دسترسی‌پذیری جنسی را تسهیل و ممکن می‌سازد، اثرات گروه همسالان است. قابلیت شبکه‌های اجتماعی و اثرات گروه همسالان موجب شده است که فیلم‌های پورنو و عکس‌های مبتذل از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی راحت‌تر رد و بدل شوند. نوجوانان با الگوگیری از همسالان شروع به همانندسازی می‌کنند و برای اینکه در گروه همسالان پذیرفته شوند، با تأیید و ترغیب یکدیگر، همدلی و همراهی را در موضوعات جنسی و قبح‌زدایی از آن به همراه گرایش به سمت رفتارهای پرخطر هرچه بیشتر تسهیل می‌کنند.

«بعضی وقت‌ها در محله‌مون با دوستان در گوشه‌ای می‌شینیم و فیلم‌های جنسی و عکس‌ها رو به همدیگه نشون می‌دیم و از اینکه در کنار دوستان هستیم لذت می‌بریم و می‌خندیم». (۶)

دسترسی جنسی می‌تواند زمینه لذت‌گرایی جنسی را برای افراد مورد مطالعه فراهم کند. نوجوانان به‌ندرت در مورد اخلاقی بودن یا نبودن چت‌های مرتبط با مسائل جنسی در شبکه‌های اجتماعی مجازی فکر می‌کنند و بیشتر به دنبال کسب لذتی هستند که از نگاه آنان هیچ پیامدی ندارد.

«من برای ارضای خودم این کار را می‌کنم و بیشتر به دنبال کسب لذت هستم؛ چرا که فضای جامعه امکان روابط با جنس مخالف را به ما نمی‌دهد». (۱۱)

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌های اجتماعی استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر پلدختر انجام گرفته و نتایج حاصل از آن نشان داده است که مهم‌ترین این چالش‌ها در مقوله‌های زیر دسته‌بندی و شناسایی شده‌اند: فاصله‌گیری از نقش‌های اجتماعی، کاهش تعاملات خانوادگی - خویشاوندی، بیگانگی تحصیلی، بحران ازدواج، شکاف نسلی - ارزشی، خودپنداره شکاک، انگ رهاشدگی، هویت دوگانه اجتماعی و رفتارهای پرخطر جنسی.

بر این اساس دانش‌آموزان به دلیل استفاده افراطی از این شبکه‌ها، دچار نوعی وابستگی شده‌اند که می‌توان از آن به اعتیاد مجازی تعبیر کرد. البته شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه حائلی در مقابل اشاره درونی عمل می‌کنند، به‌نحوی که با ایجاد حمایت‌ها و فرصت‌های عاطفی، دوستی‌هایی را برای کنش‌های اجتماعی معنادار در قالب سرمایه اجتماعی فراهم می‌آورند؛ اما استفاده افراطی از این شبکه‌ها موجب کناره‌گیری دانش‌آموزان از کنش‌های معمول خانوادگی و دوستانه یا دوری از روابط کوچک و محله‌ای (مانند ارتباط با همسالان از طریق فوتبال بازی کردن، ورزش کردن، بازارگردی و رفتن به ساندویچی‌های محل برای خوردن فلافل) شده است. کنش این دانش‌آموزان در فضای مجازی و در فضای زندگی روزمره، هویت دوگانه‌ای برای آنان ایجاد کرده است. این هویت دوگانه بین فضای مجازی و فضای واقعی قرار دارد و اجازه نمی‌دهد در شرایط مورد نیاز تصمیمات مناسب و قاطعی اتخاذ کنند (طبق رویکرد هویت‌محور گانتلت). این موارد با پژوهش وثوقی اصل و همکاران (۱۴۰۱) همسو است. علاوه بر این، از آنجاکه این فضا مملو از استعاره‌ها، نمادها و المان‌های متنوع است، نه تنها از نظر خودپنداری، نوجوانان را شکاک کرده است بلکه از نظر بلوغ جنسی و زودرس نیز آنان را وارد فضاهایی کرده که در صدد

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

تأمین نیازهای جنسی خود باشند حتی گاه به‌سوی ازدواج زودرس سوق داده است؛ به‌نحوی که در میان‌شان مطالبه ازدواج هم دیده می‌شود چنین امری چون با پاسخ والدین برای ازدواج روبه‌رو نمی‌شود، آنان را به‌سوی کنش‌های مجازی جنسی سوق می‌دهد که از آن به رفتارهای پرخطر جنسی تعبیر می‌کنیم. این دانش‌آموزان سعی دارند با فاصله گرفتن از نقش‌های معمول خانوادگی، نوعی حصار امن برای خود ایجاد کنند. نتایج این قسمت از پژوهش، همسو با نتایج پژوهش وثوقی اصل و همکاران (۱۴۰۱)، سوری و همکاران (۱۳۹۷) و سلیمانی‌پور (۱۳۸۹) است. در توضیح می‌توان گفت از آنجاکه این نوجوانان با فشارهای والدین و مدرسه روبه‌رو می‌شوند، نوعی ناسازگاری خانوادگی و خویشاوندی از خود بروز می‌دهند که شرایط را برای تضاد بیشتر آنان فراهم و به‌همین دلیل پیوسته سعی می‌کنند که خود را از اعضای خانواده و خویشاوندان جدا کنند. این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش ایران‌مهر و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. طبق رویکرد دوفضایی شدن شبکه‌های اجتماعی مجازی، با تغییر سبک زندگی افراد و بسته به مدت‌زمان استفاده، طول مدت دسترسی و مداومت، باعث کاهش روابط درون خانواده و درنهایت شکاف نسلی - ارزشی می‌شوند؛ زیرا بین فضای فیزیکی و فضای مجازی شکاف ایجاد می‌شود و در نتیجه، آسیب‌های ناشی از آن کیفیت تعاملات را کاهش می‌دهد. به‌این‌ترتیب، شرایطی ایجاد می‌شود که از نظر اجتماعی واقعیات روزمره و روابط اجتماعی معمول در میان کاربران کمتر می‌شود و آنان احساس می‌کنند که انگاره‌های زندگی مطلوب، الگوهای زندگی، مراجع رفتاری، سبک زندگی و نیز موردهای ازدواج مطلوب کسانی هستند که در شبکه‌های اجتماعی فعالیت دارند. از آنجاکه این دانش‌آموزان سطحی از تنش را نیز با والدین و مدرسه را تجربه کرده‌اند، این تصور را دارند که این دو مرجع رفتاری، از نظر معنایی و هویتی، از تحولات روز جدا افتاده‌اند و با نوعی شکاکیت سعی می‌کنند که فاصله خود را با آنان بیشتر کنند.

از یک طرف، شبکه‌های اجتماعی خاصیت همه‌مکانی، همه‌زمانی و در دسترس بودن را دارند (طبق رویکرد گیدنز) و از طرف دیگر، خصوصیات ماند به‌روز نبودن، کاربردی نبودن، جذاب نبودن محتوا و سنتی و چاپی بودن کتاب‌های درسی به‌همراه قابلیت حمل و در دسترس بودن را نداشتن، چندرسانه‌ای نبودن و تک‌رسانه‌ای بودن (بیشتر به صورت متن هستند و جنبه تعاملی ندارند و همراه با ویدئو، صوت و پویانمایی نیستند)؛ موجب شده است

که دانش‌آموزان به استفاده از شبکه‌های اجتماعی در قیاس با کتاب‌های درسی گرایش بیشتری داشته باشند. استفاده افراطی از این شبکه‌ها فعالیت‌های زمان‌بر است که موجب اتلاف وقت، حواس‌پرتی، سطحی‌نگری، نبود یادگیری فعال و بی‌انگیزی تحصیلی در بین مشارکت‌کنندگان می‌شود و این، با رویکرد گیدنز با تأکید بر اوقات مفید نیز سازگار است. از این‌رو می‌توان گفت که بیگانگی تحصیلی نتیجه و برآیند کنش متقابل دانش‌آموزان نسبت به نظام مدرسه و فضای مجازی (شبکه اجتماعی) است.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد دانش‌آموزان پلدختری با نوعی فاصله‌نقشی روبه‌رو هستند که موجب می‌شود نوعی شکنندگی و منش‌عادی فاصله‌گیری را تجربه کنند. این نقش‌ها، نقش‌هایی هستند که از آنان انتظار می‌رود به‌عنوان فرزند یا دانش‌آموز در خانواده و مدرسه ایفا کنند اما، از آنجا که شبکه‌های اجتماعی مجازی، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی اجتماعی مطلوب و خاص خود را جایگزین روابط و تعاملات مرسوم کرده‌اند، نوعی تضاد هویتی در بین آنان رخ داده است. این تضاد هویتی در ساختار تربیتی نوجوانان ریشه دارد زیرا تربیت اقتدارگرایانه و نبود تعامل میان فرزند و والد موجب شده است که آنان والدین و نیز مدرسه را مرجع و الگوی رفتاری خود ندانند. فضای اجتماعی شهر پلدختر به دلیل بافت قومی و خویشاوندی قدرتمندی که دارد، تعاملات را در این بستر تعریف می‌کند؛ به تعبیری فرزند و دانش‌آموز خوب، دانش‌آموز و فرزند است که با زنجیره خویشاوندی و مدرسه ارتباط دارند. اما از آنجا که چالش‌های هویتی، دانش‌آموزان را وارد دوست‌یابی‌ها و گروه‌های متفاوت‌تر می‌کند، ناگزیر نوعی چالش در روابط و تعاملات آنان ایجاد می‌شود. این اختلال کارکردی، فضای ذهنی نوجوانان را به‌سوی نمادها و الگوهای مجازی سوق داده است تا هر چند به صورت موقتی، آنان را از این وضعیت خارج سازد.

پیشنهادات و راهکارهای رسانه‌ای

آنچه قابل‌اعتنا است و می‌توان به منظور برون‌رفت از چالش‌های شبکه‌های اجتماعی در بین دانش‌آموزان پیشنهاد کرد این است که با ایجاد بسترهای اجتماع محور برای ایجاد مشارکت خانوادگی و تقویت جایگاه گروه‌های مرجع (والدین، مدرسه، افراد معتمد خویشاوند)، شرایط برای بازپیوند دانش‌آموزان پلدختری فراهم آید تا ضمن استفاده درست از این شبکه‌ها، از وابستگی

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

آنان کاسته شود. افزون بر این، می‌توان با وارد کردن تدریجی این سنخ از دانش‌آموزان به بازی‌های محلی و سنتی که هم‌اکنون در مناطق روستایی رواج بیشتری دارد، شرایط را برای جمع‌پذیری و گروه‌محوری آنان در سطح مدرسه و محله تقویت کرد تا ضمن مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره، وضعیت‌شان ترمیم یابد و بتوانند مهارت‌های حل مسئله را در خود تقویت کنند. این بازی‌های محلی و بومی همچون هَلو (نوعی بازی محلی که به صورت گروهی انجام می‌شود و در آن نوجوانان در گروه‌های سه یا چهار نفره با استفاده از چوب و ابزارآلات چوبی به رقابت می‌پردازند) در سطح کوچه و محله نیز قابل انجام هستند و آنان را به سوی فضای واقعی‌تر و رقابت‌های عینی‌تر می‌کشاند. درنهایت، می‌توان با ایجاد برنامه‌های فراغتی و آموزش‌هایی با محوریت خانواده - مدرسه - دانش‌آموزان، از تکرار و روزمرگی فعالیت‌های نوجوانان کاست تا با نوعی تازگی نقش روبه‌رو شوند و بتوانند از اعتیاد مجازی خود بکاهند.

داشتن نگاه همه‌جانبه به والدین، معلمان و نوجوانان و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها و سمینارهای آگاهی‌بخش رسانه‌ای برای مدیریت مطلوب این مسئله همراه با افزایش مهارت‌های فرزندپروری و ارتباطی در داخل خانواده به‌منظور کمک به افزایش عادت رسانه‌ای متعادل پیشنهاد می‌شود. همچنین افزایش سواد رسانه‌ای نوجوانان و والدین برای مواجهه منطقی و عقلانی با پیام‌های رسانه‌ای با هدف جلوگیری از ورود به سایت‌ها، گروه‌ها و کانال‌های مخرب لازم است. پیشنهاد می‌شود که دانش‌آموزان نوجوان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی هدفمند عمل کنند و زمان خاصی از روز را به چک کردن و بررسی سایت‌ها و کانال‌های شبکه‌های اجتماعی و خاموش کردن اینترنت خود اختصاص دهند. همچنین یادداشت میزان زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی برای استفاده از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد.

نوآوری و محدودیت‌های پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه با دانش‌آموزانی که استفاده افراطی از شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند، گردآوری و تحلیل شده است. همچنین با شناسایی چالش‌ها و گروه‌های دانش‌آموزی (اثر همسالان) که بیشتر در معرض آسیب هستند؛ می‌توان با اجرای اقدامات پیشگیرانه مانند مداخلات آموزشی به ارتقای آگاهی والدین، معلمان و دانش‌آموزان کمک کرد. نکته دیگر اینکه

اکثر مطالعات این حوزه بدون تفکیک مؤلفه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و خانوادگی، به بررسی این مسئله پرداخته‌اند و ضمن پراکندگی، فاقد چارچوب نظری قابل اتکایی در این خصوص بوده‌اند حال آنکه در این پژوهش تلاش شده است همه این ضعفها برطرف شوند. از محدودیت‌های این پژوهش دشواری دسترسی به دانش‌آموزان برای مصاحبه، همکاری مدارس و تناقض‌گویی بعضی از دانش‌آموزان در ارائه اطلاعات مصاحبه می‌توان اشاره کرد (به خصوص دختران). ضمن اینکه با محدودیت روش‌شناسی برای تعمیم داده‌ها نیز (به دلیل ماهیت اکتشافی و تفریدی آنها) مواجه بوده‌ایم.

منابع

- ایران‌مهر، مسلم، شفیع‌آبادی، عبدالله، و نعیمی، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی کیفی آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سلامت روان دانش‌آموزان (از دیدگاه مشاوران مدارس). *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبایی*، ۹(۳۳)، ۷۲-۴۳.
- بخشی‌تلیابی، شیرزاد، هاشمی، شهناز، و سلطانی‌فر، محمد. (۱۳۹۵). تأثیرات و پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی (فیس‌بوک، توئیتر، لاین، وایبر) بر هویت اجتماعی کاربران. *مطالعات رسانه‌ای*، ۱۰، ۳۹-۳۲.
- برگر، پیتر ال. (۱۳۹۳). دعوت به جامعه‌شناسی، نگاهی انسان‌گرایانه. مترجم رضا فاضل، تهران: ناشر ثالث.
- بهرامی، ولی، موسوی، سیدمحسن، و گودرزی، امین. (۱۴۰۰). نقش سبک‌های تربیتی خانواده در فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان استان لرستان). *فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱(۲)، ۴۷-۳۱.
- ترابی‌ان، لیلا، عامری، فریده، و بنی‌جمالی‌خسروی، شکوه‌سادات. (۱۳۹۷). واکاوی پدیدارشناسانه علل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. *مجله پژوهش‌های نظام سلامت*، ۱۴(۳)، ۲۹۸-۲۹۱.
- ترلو، کریسپین، تومیک، آلیس، و لورد، لنگل. (۲۰۰۴). ارتباط کامپیوتر- واسط تعاملات اجتماعی و اینترنت (ترجمه سروناز تربیتی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- توانا، محمدعلی، و هاشمی‌اصل، سیدعبدالله. (۱۳۹۴). درآمدی بر فضای مجازی فرا قلمرویی و سیالیت هویت سوژه در پرتو تحلیل انتقادی بینامتنی. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۵(۱)، ۳۵-۱۵.

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

جعفری، علی، و شهابی، بهجت. (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. *فصلنامه فناوری/آموزش و یادگیری*، ۳ (۱۰)، ۱-۱۵.

حسین‌آبادی، مریم. (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی معرف سبکی از زندگی (نگاهی به تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی کاربران). *روزنامه رسالت*، ۶-۷، ۷۶۹۲.

خانیک، هادی. (۱۴۰۲). جنبش نادیده گرفته‌شدن. *دوماهنامه سیاسی راهبردی چشم‌انداز/ایران*، تهران: نشر مؤسسه اطلاعات.

ساروخانی، باقر. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: نشر اطلاعات.

سعدی‌پور، اسماعیل. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر جنبه‌های منفی شبکه‌های اجتماعی و روابط آنلاین بر دانش‌آموزان نوجوان با تأکید بر زورگویی سایبری. *مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی در ایران*، ۳ (۴)، ۵۸۵-۶۰۱.

سلیمانی‌پور، روح‌الله. (۱۳۹۰). شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها. *ره‌آورد نور*، ۲ (۹)، ۱۹-۱۴.

سوری، احمد، یوسف، پویا، و تاجری، بیوک. (۱۳۹۷). آسیب‌های روانی - اجتماعی ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی در دانش‌آموزان دختر مقطع دوم متوسطه. *مطالعات پلیس زن*، ۲۹، ۷۲-۵۷.

شاوردی، تهمینه، چیت‌ساز قمی، محمدجواد، و حیدری، حسین. (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر عملکرد کمی تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر تهران. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی تهران*، ۸۱۲-۸۰۲.

عاملی، سیدرضا، و حسینی، حسین. (۱۳۹۱). دوفضایی‌شدن آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فضای مجازی: مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری‌های بین‌الملل. *پژوهش‌های فرهنگی*، ۵ (۱)، ۳۰-۱.

قربانی، علیرضا، شهاب‌الملک فرد، جعفر، و محمودی، نفیسه. (۱۴۰۱). تحلیل جامعه‌شناختی اثرات مصرف شبکه‌های اجتماعی بر سلامت اجتماعی (مورد مطالعه: دختران دانش‌آموز پایه دهم شهر بیرجند). *فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ*، ۱ (۴)، ۱۸-۷.

کریمیان، کبری، پارسا مهر، مهربان، و افشانی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۷). رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و انزوای اجتماعی در میان دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر کرد. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲ (۴۳)، ۱۰۰-۸۴.

گیدنز، آنتونی. (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی. مترجم حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
نجفی سولاری، حسن. (۱۳۸۹). مدل حمایت از شبکه‌های اجتماعی تدوین
می‌شود. ایران، ۴۵۷۲، ۳۶.
و ثوقی اصل، سیما، عصمتی، زهرا، کوشکی، مرتضی، و قربانزاده، علی.
(۱۴۰۱). اولویت‌بندی آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان ناشی از شبکه‌های
مجازی. فصلنامه پژوهش‌های علوم مدیریت، ۴ (۱۳)، ۹۶-۹۰.

Adamz, G. R., Monte Mayor, R., & Gullotta, T. (1998). *Biology of Adolescent Behavior and Development (Advances in Adolescent Development. sage publication.*

Afacan, O., & Ozbek, N. (2019). Investigation of Social Media Addiction of High School Students. *International Journal of Educational Methodology*, (2), 235-5245

Bjerregard, M. (2010). Facebook's Effects on Subtle Emotion Coding, Academic Performance and Identity Protection. (Doctoral dissertation, Southern Utah University), Retrieved from Southern Utah University Web-site.

Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social Network Sites: definition, history, and scholarship. *Journal of Computer Mediated Commun*, 13 (1).

Borgatti, S. P., & Cross, R. (2003). A Relational View of Information Seeking and Learning in Social Networks. *Management science*, 49 (4), 438-445.

Can, Y. (2023). Social media addiction and loneliness of high school students. *Advances in Mobile Learning Educational Research*, 3 (2), 893-902.

Gauntlett, D. (2002). *Media, Gender and Identity: An Introduction. Routledge, London.*

Lozano-Blasco, R., Latorre Cosculluela, C., & Quílez Robres, A. (2020). Social Network Addiction and Its Impact on Anxiety Level among University Students. *Sustainability*, 12, 53-97.

Mindajao, B. (2021). Social Media Addiction Among Senior High School Learners. *International Journal of Sciences: Basic and Applied Research (IJSBAR)*, 57 (1), 23-32.

مطالعه چالش‌های
اجتماعی ناشی
از استفاده افراط‌گونه
از شبکه‌های اجتماعی
مجازی (مورد مطالعه:
دانش‌آموزان متوسطه
دوم شهر پلدختر)

- O'Sullivan, D. (2009). *Applying Innovation, sage publication.*
- Ozer, I., Karpinski, A. C., & Kirschner, P. A. (2014). A Cross-Cultural Qualitative Examination of Social-Networking Sites and Academic Performance. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 112, 873-881.
- Paul, J. A., Baker, H. M., & Cochran, J. D. (2012). Effect of Online Social Networking on Student Academic Performance. *Computers in Human Behavior*, 28 (6), 2117-2127.
- Shi, Y., Luo, Y. L., Yang, Z., Liu, Y., & Cai, H. (2014). The Development and Validation of The Social Network Sites (SNSS) Usage Questionnaire. *International Conference on Social Computing and Social Media*, 113- 124.
- Subrahmanyam, K., & Smahel, D. (2011). *Digital Youth: The Role of Media in Development. New York: Springer.*
- Wall, D. (2001). *Crime and the Internet. London: Routledge.*
- Wall, D. (2003). *Cyberspace Crime, Aldershot, Hants. England: Ashgate.*
- Wang, J., Jackson, L., Wang, H., & Gaskin, J. (2015). Predicting social networking site use: Personality, attitudes, motivation and internet self-efficacy. *Personality and Individual Differences*, 80, 119-124.
- Williams, M. (2006). *Virtually Criminal: Crime, Deviance and Regulation Online. London: Routledge.*
- Zhitomirsky, G. M., & Blau, M. (2016). Cross-Generational Analysis of Predictive Factors of Addictive Behavior in Smartphone Usage. *Computers in Human Behavior*, 64, 682-693.